

# بهرامی

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

ابوالحسن علی بهرامی سرخسی تاجیک ایرانی ، از شاعران بزرگ عصر اول غزنوی است و وفاتش در اوایل قرن پنجم ه.ق. اتفاق افتاده .

بهرامی در علوم ادبی ماهر و معروف بود و گفته اند که هر کس بخواهد در شعر استاد شود بعد از فراهم آوردن مقدماتی که مورد نظر « نظامی عروضی » است باید در گرد تصانیف استاد ابوالحسن سرخسی بهرامی گردد . شمس الدین محمد فرزند قیس استاد بزرگ عروض نام « بهرامی » را چند بار در شمار عروضیان عجم آورده است . (1)

از کتب او در علوم ادبی :

1 - غایة العروضین یا غایة العروضیین

2 - کنز القافیة

3 - خجسته نامه ، را ذکر کرده اند.

اشعار وی در تذکره ها و کتب ادبی پراکنده است و از آن جمله ابیات ذیل را بطور نمونه بیان می کنیم :

ما هردو بتا گل دو رنگیم

بنگر بچه خواهمت صفت کرد

یک نیمه آن تویی بسرخی

وین نیم دگر منم چنین زرد

\*\*\*\*

آن خوشه بین چنانکه یکی خیک پر نبید

سربسته و نبرده بدو دست هیچکس

برگونه سیاهی چشمست غُرب (\*) او

هم بر مثال مردمک چشم ازو تَکَس(\*\*)

\*\*\*\*

همیشه خرم و آباد باد ترکستان(2)

که قبله شمنانست و جایگاه بتان

بتان او همه گویا و شکرین سخند

بیوسه راحت جان و بغمزه آفت جان

یکی بیامد از ایشان و این دلم بر بود

بجان و دل بنهاد آتشی زبانه زنان

بتی شمن کش و جادو فریب و سحر نما

برخ بهار (\*\*\*) بهار و بقهر باد خزان ...

دو چشم تنگ و دهن تنگ و تنگدل بحدیث

شکسته زلف و بگاه سخن شکسته زبان

بغمزه تیر و مژه تیر و قدّ و قامت تیر

برو کمان و بازو فرو فگنده کمان

---

(\*) غزب : دانه انگور تازه

(\*\*) تکس : هسته انگور

(\*\*\*) بهار : در اینجا بمعنی گل است

از آن کمان کمان گشته پشت عاشق او

وزین کمانش عدو گشته از شمار کم آن...

دلم ببرد و دل خویش را نداد بمن

برفت و ماند غم عشق و آتش و هجران

دلم تنور شد و هر دو چشم چشمه آب

چگونه خاست گه نوح جز چنین توفان

\*\*\*\*

- 1 - فرهنگ فارسی ، دکتر معین ، ج 5 ص 303 .
- المعجم فی معاییر اشعارالعجم ، چاپ تهران ، ص 135 و 141 .
- ذبیح الله صفا ، تاریخ ادبیات در ایران (جلد یکم)، انتشارات فردوس، چاپ هفدهم
- 2 - مجمع الفصحا ، ج 1 ، ص 173 .